

Typology of Historical Religious Doubts and Their Tricks

Received date: 2022.08.31 Accepted date: 2022.01.03

Mustafa Mohseni*

Abstract

Nowadays, cyberspace as the biggest media has been provided to anti-Islamists, and one of the most destructive weapons they use in this space is to instill religious doubts, and in terms of the comprehensibility of historical reports, doubts in this area have a greater share. Although various religious and intellectual currents take action to create religious doubts, but in historical religious doubts, the share of extreme antiquarianism and Wahhabism is more than other currents, and currently the most frequent historical religious doubts that the religious responding centers struggle with are created and released by these two aforementioned currents and the others have a smaller share.

The upcoming research is the result of several years of experience in religious responding centers. The author tries to introduce some of these groups and their tricks and methods to the religious preachers so they can answer such doubts with more knowledge, which is one of their duties.

The use of tricks and methods which are deceptive and proportional to the level of education, time status and Location, is one of the findings of this research, which is being implemented by these two currents.

This research has based on the explanatory-analytical method in content processing, also in terms of the type of data used, a qualitative research and the method of collecting information of the library-type and its findings have been obtained as fieldwork.

Keywords: Preacher, Historical Religious Doubts, Tricks, Types.

* PhD of Islamic history and civilization of University of Islamic Studies University Qom,
Iran. E-mail: awleya5tan@yahoo.com

تصنيف الشبهات التاريخية وحيلها

مصطفى محسنی*

المستخلص

يعد الإنترنت والفضاء الإلكتروني اليوم أكبر وسائل الإعلام المتاحة للمعادين للإسلام، ويعتبر أحد أكثر الأسلحة تدميراً التي يستخدمونها في هذا الفضاء إثارة الشبهات والشكوك، ومن حيث عمومية الفهم للتقارير التاريخية، فإن لها نصيب أكبر من الشبهات. على الرغم من أن التيارات الدينية والفكرية المختلفة تخلق وتبث شكوكًا، لكن في مجال الشبهات التاريخية، نلاحظ دور الأثرية والوهابية المتطرفة أكثر نصيباً بالنسبة إلى التيارات الأخرى، واليوم أكثر الشبهات التاريخية شيوعاً التي تعاني منها المراكز الاجابة عن الشبهات تم إنشاؤها ونشرها من قبل هذين التيارين و لغيرهما حصة أصغر.

الدراسة التي بين يديكم هي نتيجة سنوات عديدة من الخبرة في مراكز الإجابة عن الشبهات. يحاول المؤلف أن يعرف المبلغين الدينيين ببعض الجماعات من أصحاب إثارة ونشر الشبهات وبعض حيلهم حتى يتمكنوا من الإجابة كواجبهم التبشيري على مثل هذه الشبهات بإتقان أكثر. من نتائج هذه الدراسة معرفة كيفية استخدام هذين التيارين الحيل والطرق الخادعة، و أيضاً المناسبة لمستوى المعلومات والزمان والمكان، التي تجرى من قبلهما.

تبنى هذه الدراسة على المنهج التوضيحي-التحليلي في معالجة المحتوى، وأيضاً من حيث نوع البيانات المستخدمة تحسب دراسة نوعي، وقد جمع المعلومات فيها من طريقة ملاحظة المكتبات وتم الحصول على نتائجها ميدانياً.

الكلمات المفتاحية: المبلغ الديني، الشبهات التاريخية، الحيل، أنواع.

* دكتوراه في التاريخ والحضارة الإسلامية من جامعة معارف في قم المقدسة.

نشریه علمی

مطالعات شبه‌پژوهی

سال اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ش ۲

گونه‌شناسی شبهات تاریخی و ترفندهای آنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

مصطفی محسنی*

چکیده

امروزه فضای مجازی به‌عنوان بزرگترین رسانه در اختیار اسلام ستیزان قرار گرفته و یکی از مخربترین سلاح‌های مورد استفاده آنان در این فضا، القای شبهات است و به لحاظ همه فهم بودن گزارش‌های تاریخی، شبهات این حوزه از سهم بیشتری برخوردارند. اگر چه جریان‌های مختلف مذهبی و فکری اقدام به شبهه‌سازی می‌کنند اما در شبهات تاریخی سهم جریان باستان‌گرایی افراطی و وهابیت از سایر جریان‌ها بیشتر است و امروزه پرتکرارترین شبهات تاریخی که مراکز پاسخگویی با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند از سوی این دو جریان ساخته و نشر داده می‌شود و دیگر جریان‌ها سهم کمتری دارند.

پژوهش پیش‌رو حاصل تجربه چندین سال پاسخگویی در مراکز پاسخ به شبهه است. نگارنده تلاش بر آن دارد تا مبلغان دینی را با برخی از گروه‌های شبهه‌ساز و نیز بعضی از ترفندها و شگردهای آنان آشنا کند تا مبلغان با اطلاع بیشتری به پاسخگویی اینگونه شبهات که یکی از وظایف تبلیغی آنهاست بپردازد.

استفاده از شگردها و ترفندهای فریبنده، و متناسب با سطح تحصیلات و موقعیت زمانی و مکانی از یافته‌های این پژوهش است که توسط این دو جریان در حال اجراست.

این پژوهش به روش تبیینی — تحلیلی را در پردازش محتوا مینا قرار داده است، نیز به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و یافته‌های آن به صورت میدانی به دست آمده است.

واژگان کلیدی: مبلغ، شبهات، تاریخی، ترفندها، گونه‌ها.

* دکترای تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه معارف قم awleya5tan@yahoo.com

مقدمه

شبهه برگرفته شده از شبهه و شبه نام مسی است که با افزودن ماده‌ای به آن شبهه طلا می‌شود از این روی به آن شبهه گویند (کتاب العین، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۴۰۴). امام علی⁸ در تعریف شبهه می‌فرماید: شبهه را از آن روی شبهه گویند که شبهه به حق است (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۸). به عبارتی شبهات حق می‌نمایانند اما باطل می‌پروراند؛ زیرا اگر باطل به همانگونه که هست ظاهر شود کسی فریب نخواهد خورد اما اگر با حق در آمیزد عده‌ای حق طلب را خواهد فریفت. کلام یا حق آشکار یا باطلی روشن است و یا ظاهرش حق و باطنش باطل است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰۳—۴۱۴). برای مثال کسی سعی نمی‌کند زاغ و کلاغ را رنگ کرده و به جای طوطی یا قناری بر دیگران غالب کند اما ممکن است چنین مکاری در مورد گنجشک به جای قناری صورت پذیرد. بنابراین امروزه هجمه به اسلام به صورت باطل محض انجام نمی‌گیرد بلکه با حق آمیخته می‌گردد. بر همین اساس اهمیت شبهه تا آنجاست که امام علی⁸ آن را یکی از ارکان چهارگانه کفر به شمار می‌آورند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۹۱).

برای پاسخ به شبهه ضمن شناخت گونه‌شناسی شبهات و روش‌های پاسخ‌گویی باید با ترفندهای شبهه‌کنندگان نیز آشنایی داشت. در این زمینه مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر در آمده است. سلسله مقالات مرتبط با پاسخگویی به شبهات توسط محمدعلی محمدی در شماره‌های مختلف مجله مبلغان منتشر شده است. (محمدی، ۱۴۰۰، ص ۴۷). که در نهایت این مقالات به صورت کتابی با عنوان «شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی منتشر» شد. مقاله‌ای نیز با عنوان «گونه‌شناسی روش پرسش و پاسخ و کاربست آن در پاسخ به مسائل قرآنی» توسط محمد جواد فلاح به رشته تحریر در آمده و عنوانش گویای آن است که در مورد سؤالات قرآنی است. رضا محمدی نیز در مجله پیام،

«شیوه‌شناسی پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی» را تدوین کرده‌است (محمدی، ۱۳۹۰، ۲۱-۳۵). در این مقالات روشهای مختلف پاسخگویی بیان شده اما بیشتر پاسخهای موردی است و به ترفندهای شبهه‌سازان نپرداخته است. نیز موضوع آن عمومی و اختصاصی شبهات تاریخی نیست. نوشتاری با عنوان «پاسخگویی به شبهات تاریخی» منتشر شده در مجله پاسدار اسلام نیز در مورد تاریخ فلسطین است (صفتاج، ۱۳۹۴، ص ۳). بنابراین نوشتاری که تنها به شبهات تاریخی، گونه‌شناسی آنها و ترفندهای شبهه‌سازان نوشته شده باشد یافت نشد.

۶۱



بنابر روایتی از حضرت علی^ع یکی از رسالت‌های پیامبر^ث از احوال شبهات و پاسخگویی به آنهاست (سید رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۶). معصومین^ع نیز به این مهم پرداخته و منابع حدیث و تاریخی پراست از نمونه‌هایی که بیان آنها خود پژوهش گسترده دیگری می‌طلبد. از همین روی پاسخگویی به شبهه را می‌توان یکی از اساسی‌ترین وظایف مبلغان دینی نامید. چراکه همواره جهان تشیع در معرض سیل شبهات قرار داشته و عصر ما نیز از این امر مستثنی نیست. این امر علاوه بر حکم عقل در احادیث امامان^ع نیز ریشه دارد و در این روایات دانشمندان و عالمان دینی ترغیب به پاسخگویی به شبهات شده و علمایی که به این امر همت می‌گمارند بسان مرزبانان معرفی شده‌اند که از مرز ایمان محافظت می‌نمایند. امام صادق^ع علمای شیعه را همچون مرزداران می‌دانند که مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان شده، و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می‌گیرند و فضیلت این عملکرد را بالاتر از رزمندگانی معرفی می‌کند که با روم و ترک و خزر در حال جهادند، زیرا علما از دین مردم دفاع می‌کند و رزمندگان از جسم آنها. (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷) بر همین اساس تنها هدفی که شهید مطهری در نوشته‌هایش دنبال کرده حل مشکلات و پاسخگویی به مسائل اسلامی است (شهید مطهری، ۱۳۷۰، ص ۸-۹).

بدیهی است کسانی که ادامه دهنده راه آنان هستند نیز چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند. بنابراین باید به شناخت شبهه و چگونگی پاسخ مخصوصاً در آگاهی بخشی به جوانان بیشتر تلاش کنند، چراکه بیشتر در معرض آسیب هستند و این امر مورد توجه ویژه ائمه^ع نیز بود. امام صادق^ع ۸ در این زمینه می‌فرماید: به جوانان خود حدیث بیاموزید پیش از آنکه مرجئه بر شما سبقت گیرند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۱).

مرجئه در آن زمان با ایجاد شبهات مختلف دینی در صدد جذب جوانان و دور کردن آنها از اهل بیت^ع بودند بنابراین این روایت را می‌توان به هر گروهی که رویکرد مرجئه را در پیش دارند تعمیم داد. از آنجا که امروزه بیشتر شبهات تاریخی مطرح است لذا لازم است تحقیقی در این مورد برای آشنایی مبلغان با چند و چون آن صورت پذیرد. بنابراین تحقیق پیش‌رو به چرایی و چگونگی آشنایی مبلغان با شبهات تاریخی و ترفندهای شبهه‌کنندگان پرداخته شده است.

الف) اهمیت شبهات تاریخی

امروزه در فضای مجازی و پیام‌رسان‌های مختلف با انبوهی از شبهات دینی مواجهیم که بخش قابل توجهی از آنها تاریخی است چراکه سلايق و تعصبات قومی، قبیله‌ای و مذهبی و نیز تطمیع و تهدید حاکمان باعث جعل گزارش‌های بسیاری شده و حفره‌های کور فراوانی ایجاد کرد که راه را برای القاء شبهات هموار می‌کند. توضیح اینکه پیش از این بیشتر شبهات در بستر علم کلام و عقاید مطرح می‌شد. شبهه اعتقادی شبهه ساز را وادار می‌کرد که خود تا اندازه‌ای با این علم آشنایی پیدا کند و گاهی برای القاء یک تفکر اشتباه مجبور می‌شد قواعد سخت فلسفی و کلامی را بیاموزد تا بتواند مثلاً برهان نظم را با بحث شرور به چالش بکشد. بر فرض گذراندن این مراحل تنها می‌توانست

عده‌ای اندک که خود تحصیل کرده و آشنایی اجمالی با این گونه مباحث دارند را مخاطب خود قرار دهد و به نوعی بفریبد. یعنی اینکه کارخانه‌های شبهه‌سازی باید بیشترین توان خود را صرف جذب افراد معدود می‌کردند و این راه هزینه بسیاری برای آنها به ارمغان داشت.

آشنایی معاندان اسلام با منابع تاریخی کهن و اطلاع از ضعف آنها، آنان را به سوی این منابع سوق داد؛ زیرا از یک طرف فهم آن منابع زحمت فراوانی نمی‌طلبید و از طرفی هر کس که سواد خواندن و نوشتن داشت می‌توانست مخاطب آنان قرار گیرد بنابراین به سراغ تاریخ رفته و شگردها و ترفندهای خود را در منابع تاریخی پیاده کردند.

۶۳

بنابراین تنها بیان سیره و فضایل ائمه اطهار % کافی نیست بلکه باید به ابزار فکری مقابله با شبهات، نیز مسلح شوند.



ب) گونه‌شناسی

شبهات تاریخی از سوی یک طیف و گروه از مخالفان شیعه مطرح نمی‌شود، بلکه گروه‌های متعدد با رویکردهای مختلف اقدام به شبهه‌پراکنی می‌کنند. اگر چه جریان‌های مختلف مذهبی و فکری اقدام به شبهه‌سازی می‌کنند اما در شبهات تاریخی سهم جریان باستان‌گرایی افراطی و وهابیت در شبهات تاریخی، از سایر جریان‌ها بیشتر است و امروزه پرتکرارترین شبهات تاریخی که مراکز پاسخگویی با آن گلاویز هستند، از سوی این دو جریان ساخته و نشر داده می‌شود و دیگر جریان‌ها سهم کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. نگارنده که سابقه قابل توجهی در پاسخگویی به شبهات دارد، سهم وهابیت و باستان‌گرایان افراطی نسبت به گروه‌های دیگر را غیر قابل مقایسه می‌داند. بنابراین شناسایی شبهات ساخته شده از طرف این دو گروه و یافتن ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان ما را در بحث کمک می‌کند.

۱. وهابیت

وهابیت، این گروه بخشی کوچکی از اهل سنت هستند نه همه آن. این گروه نه تنها با شیعیان، بلکه در بسیاری از آموزه‌ها حتی با تمام مسلمانان در تعارض هستند و به غیر از کسی که افکار آنان را قبول دارد سایر مسلمانان را مشرک می‌دانند. نامه‌های محمد بن عبدالوهاب به سران اهل سنت کشورهای اسلامی و دعوت آنان به اسلام، گواه این مطلب است. او تمامی قبایل عربی و غیر عربی و علمای معاصر خود را متهم به کفر و زندقه و الحاد و شرک نمود (غیب غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۷). کشتار مردم اهل سنت طائف نیز مؤیدی بزرگ بر این ادعاست. آنها در این حمله، اجساد کشته‌ها را به مدت ۱۶ روز بر روی تپه‌ها رها نموده که بوی تعفن همه‌جا را فرا گرفته بود، تا در نهایت با حفر کانالی جنازه‌های متلاشی شده که توسط حیوانات وحشی تکه تکه شده بودند را در آن ریخته و بر آنها خاک ریختند (غیب غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۷). اگر امروز رسانه‌های آنان در صدد تخریب آموزه‌های شیعی هستند، این اول راه است؛ زیرا به فرض محال پس از غلبه بر شیعیان، به جنگ همه جانبه با اهل سنت خواهند رفت.

بنابراین خط مقدم درگیری آنها از نظر نظامی و فکری تشیع بوده و با کمک گرفتن از ابزار رسانه‌ای مدرن سیل شبهات را روانه جامعه شیعی می‌کند. می‌بینیم عمده تمرکز وهابیت بر مسائل اختلافی بین شیعه و سنی است، چرا که در درگیری فکری بین وهابیت و شیعه پیروزی از آن گروهی است که بتواند قاطبه اهل سنت را با خود همراه کند. تصور کنید سه گروه «الف»، «ب» و «ج» داریم و «الف» و «ب» در مقابل هم قرار گرفته‌اند. هر دو نیز نقاط تمایز و اشتراکی با گروه «ج» دارند، بدیهی است هر گروه بتواند نقطه اشتراک خود با گروه «ج» را تقویت کند و سپس به نقاط اختلافی گروه مقابل با گروه ج بپردازد، می‌تواند این گروه را با خود همراه کند. شیعه و اهل سنت نقاط اشتراکی زیادی در مقابل وهابیت دارند. هر دو گروه زیارت قبور را شرک نمی‌دانند. هر

دو گروه برای اولیای خود بارگاه می‌سازند. هر دو گروه توسل به اولیای خود دارند و...

شیعه در مناظرات و مواجهات خود با وهابیت، باید نقاط اختلافی آنها با اهل سنت را به تصویر بکشد. برای مثال اعتراف گرفتن از آنها در مشرک دانستن زائران قبور، اهل سنتی که در مصر، اردن، سوریه، عراق، پاکستان و افغانستان مقابر باشکوهی برای بزرگان خود ساخته‌اند، مشرک می‌شوند. مسئله توسل نیز همین گونه است. در این عقیده افزون بر شیعیان، اهل سنت نیز مورد حمله وهابیت هستند.

لذا باید نقاط افتراقی اهل سنت و وهابیت در مناظرات بین شیعه و وهابیت مشهود باشد و هر از گاهی تأکید شود، آیا شما مردم مصر را مشرک می‌دانید؟ یا کسانی که در بصره بر سر قبر زبیر حاضر می‌شوند، مشرکند.

اما امروزه وهابیت بیشتر از این ترفند استفاده می‌کند و در مناظرات بیشتر مباحثی را مطرح می‌کند که شیعه و سنی بر سر آن اختلاف دارند. هدف وهابیت برخورداری از حمایت اهل سنت است. لذا اگر بتواند در بحث و مناظرات، توهینی برضد یکی از بزرگان اهل سنت از جانب شیعیان بگیرد در کار خود موفق شده است. (غدیر - سقیفه - شهادت حضرت زهرا^ع ازدواج عمر و ام کلثوم^ع، نامگذاری فرزندان اهل بیت به نام خلفا و دیگر بزرگان اهل سنت و... از نمونه‌های شبهات تاریخی است که ضمن فریب عامه شیعه، اهل سنت را نیز با خود همراه می‌کنند). منظور نویسنده این نیست که از پاسخ به این گونه شبهات طفره رفته تا شنونده تصور کند شیعه حرفی برای گفتن ندارد بلکه منظور آن است که ابتکار عمل را از دست طرف مقابل گرفته و آنان در مقابل جمعیت کثیر اهل سنت قرار داده شوند. در عین حال، ضمن رعایت ادب اسلامی و سیره اهل بیت^ع در حفظ وحدت، با استدلال‌های محکمه پسند و مخصوصاً استاد به کتب خود اهل سنت این گونه مباحث را نیز پاسخ جامع و کامل دهند، اما مواظب باشند در دامی که وهابیت پهن کرده گرفتار نشوند.

۲. باستان‌گرایان افراطی

این گروه تقریباً صد و پنجاه سال است، فعالیت خود را در ایران آغاز کرده و در صدد ایجاد تقابل بین هویت دینی و ملی هستند. شاید برخی با استناد به نهضت شعوبیه و قیام‌هایی از قبیل بابک خرم‌دین تصور کنند که باستان‌گرایی از ابتدای ورود اسلام به ایران بود. بله؛ ده‌ها سال پس از سقوط ساسانیان، حرکت‌هایی با محوریت عرق ملی در ایران ظهور کرد اما به‌منظور بازگشت به ایران پیش از اسلام نبود. بزرگترین جنبش فرهنگی این جریان موسوم به «نهضت شعوبیه» اگر چه به تقابل عجم و عرب دامن زد، اما در مقابل اسلام قد علم نکرد. امثال بابک خرم‌دین و مازیار نیز اگر چه در مقابل اسلام بودند — بر خلاف قیام ابومسلم که خمیر مایهٔ مذهبی داشت — اما مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و از سوی خود ایرانیان سرکوب شد. با این حال چه نهضت شعوبیه و چه قیام‌های مذکور برخاسته از دل ایران بود و دست‌های بیگانگان در آنها دیده نمی‌شود.

جامعهٔ ایرانی از دورهٔ قاجار با یک باستان‌گرایی جدید مواجه است که ریشه در لایه‌های زیرین اجتماعی ایران ندارد، بلکه بحثی وارداتی است و توسط مستشرقان و عقبهٔ فکری آنان در این کشور گسترش یافت. این جریان یکی از مباحث مهم اجتماعی شد و ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرد.

هدف مستشرقین و دولت‌های متبوع آنان از مطرح کردن این بحث، مقابله با اسلام است؛ زیرا پرداختن و مبالغه‌گویی در مورد عظمت، شوکت و اقتدار باستان، چرائی افول آن را در اذهان عموم مردم ایجاد می‌کند و کافی است در پاسخ به این پرسش، اسلام عامل از بین رفتن این اقتدار معرفی شود.

با در نظر گرفتن مطالب فوق، نحوه برخورد با این پدیده، درایت خاص خود را می‌طلبد، چه آنکه احتمال می‌رود با رفتارهای خام و ناپخته در مسیری قدم برداشته شود

که توسط طرف مقابل ریل گذاری شده است.

به نظر نگارنده این سطور، اسلام ستیزان غربی در مطرح کردن باستان گرایی اهداف متعددی را دنبال می کنند. یکی از اهداف آنها ایجاد دوقطبی هویت دینی و هویت ملی در جامعه ایرانی است؛ زیرا برخورد مردم ایران با این پدیده از سه حال خارج نیست. یک گروهی که دانسته مطالب دیکته شده از طرف اسلام ستیزان را با ابزارهای رسانه‌ای خود در جامعه ترویج می کنند. شکی نیست که این گروه در مقابل دین قرار داشته و برای انزوای آن از هیچ کوششی فروگذار نمی نمایند.

۶۷



دو) اکثریت جامعه که در مباحث اجتماعی به قشر خاکستری معروفند. این گروه ستیزی با دین نداشته بلکه بسیاری از بدنه متدین جامعه نیز در این دایره قرار می گیرند. در مناسبت‌های مذهبی از تصاویر متناسب با آن مناسبت در پروفایل‌های شبکه اجتماعی خود استفاده می کنند. در عین حال موج باستان گرایی که در این صد پنجاه سال ایجاد کرده، باعث نگاه مثبت این افراد به ایران باستان شده است، بنابراین در هفتم آبان تصاویر مرتبط با کورش را بارگذاری کرده و هیچ گاه این کار را مقابله با دین تصور نمی کند. سه) مذهبی‌هایی هستند که باستان گرایی معرفی شده از طرف غرب را مغایر با آموزه‌های دینی می دانند و به اهداف شوم اسلام ستیزان در مطرح کردن این پدیده پی برده‌اند.

با توجه به سه گروه فوق، تقابل اصلی بین گروه اول و سوم است. در این تقابل، برگ برنده از آن گروهی است که بتواند گروه دوم که همان افراد خاکستری است را با خود همراه کرده و به سوی خود جذب نماید.

برای محققان مذهبی در این میان دو راه متصور است.

۲-۱. تقابل با باستان

با مطالعه منابع یونانی، سنگ نبشته‌ها و منابع مطالعاتی تدوین شده در این صد و اندی سال توسط باستان‌گرایان، نکات منفی را استخراج کرده و به جامعه معرفی کنند. برای نمونه در مورد کورش در منابع یونانی غور کرده، نکات منفی از جمله قتل و غارت و برده‌داری‌های کورش و هخامنشیان در معرض عموم قرار داده و از منشور نیز قسمت تکریم بت‌ها به جامعه معرفی شود.

۲-۲. تقابل با باستان‌گرایی

با مطالعه ریشه‌ها، بسترها، زمینه‌ها، اهداف و ترفندهای باستان‌گرایان افراطی، جامعه را نسبت به اغراض آنها آگاه در رسیدن به این اهداف ناکام گذارند.

نگارنده راه دوم را صحیح و منطقی می‌داند؛ زیرا باستان امری است و باستان‌گرایی امر دیگر. چه بسا پرداختن به نقاط ضعف باستان با استناد به منابع یونانی و سنگ‌نبشته‌های باستانی که خود با اما و اگرهای زیادی مواجهند، ضرر و زیانش از باستان‌پرستی بیشتر باشد؛ زیرا هر آینه احتمال می‌رود، قشر خاکستری را به دامان گروه اول سوق دهد تا اینکه شیفته گروه سوم نماید. با توجه به تلاش صدوپنجاه ساله باستان‌گرایان افراطی کورش و باستان بخشی از هویت هر ایرانی را تشکیل داده است. بنابراین با مطالعه عمیق در منابع مرتبط باید قسمت‌هایی از باستان که مورد تأیید بوده و با آموزه‌های دینی تقابل ندارد را به مردم عرضه و بیان کرد که دین سرستیز با خوبی‌های باستان نداشته و آنچه در مقابل توحید است، باید زدوده شود. اسلام حتی بر تمام آموزه‌های جاهلیت، خط بطلان نکشید بلکه آنها را از صافی آموزه‌های دین گذراند و بر برخی صحنه گذاشت.

دامن زدن به این اختلاف و ایجاد دو قطبی باستان‌گرا و باستان‌ستیز، همانند پرداختن به اختلافات شیعه و اهل سنت به سبک شبکه‌های افراطی شیعی و اهل سنت بوده که به

نوعی آب در آسیاب دشمن ریختن است. لذا مناسب است ریشه‌های باستان‌گرایی افراطی در صد سال اخیر تبیین و جامعه نسبت به اهداف مغرضانه آنها که عموماً از غرب دیکته شده، آگاه شوند.

از جمله شبهات القایی از طرف آنها عبارتند از: جاذبه‌سازی و ایجاد شیفتگی در ایران باستان، منزلت‌سازی برای سنت‌ها و عقاید کهن باستانی، ابداع تاریخ باعظمت برای ایران باستان، نمادسازی‌های غیرواقعی، اسطوره‌سازی کاذب مانند: کورش و...، تحریک احساسات نژادی و قومی، تاکید بر منزلت و امتیاز خون و تبار ایرانی، سوء استفاده از مناسبت‌های زمانی، بزرگنمایی تخریب و غارت ایران در ورود اسلام به ایران، دگرسازی هویتی میان دین اسلام و هویت ملی ایرانیان، نادیده انگاری خلاقیت فکری و هنری ایرانیان بعد از اسلام، کاربست اسلام به مثابه تنها عامل عقب‌ماندگی ایران معاصر و پسرفت تمدنی، عرب‌ستیزی و مبالغه‌گویی در ماجرای ورود اسلام به ایران، استناد به گزارش‌های تاریخی غیرمعتبر در فتح ایران، نقش حضرت علی⁸ در فتح ایران، حضور حسنین³ در فتح ایران، سلمان فارسی و فتح ایران و... داستان شهربانو، نیز این گروه در تخریب اقدام به تخریب چهره شخصیت‌های مقدس اسلامی می‌کند، از جمله شبهات مربوط به جنگ‌های نبوی، تعدد زوجات پیامبر^θ و تخریب شخصیت دیگر بزرگان اسلامی بیشتر از طرف این گروه رقم می‌خورد، چراکه وهابیت لااقل نسبت به چهره پیامبر اکرم^θ اقدام به چنین کاری نمی‌کنند.

۳. شبهات مشترک بین گروه‌ها

شبهه‌سازی در حوزه تاریخ، منحصر به این دو گروه نیست، بلکه گروه‌های دیگر نیز به این امر مبادرت می‌ورزند و یا تولیدات ساخته شده از طرف این دو گروه را باز نشر می‌دهند. برخی از شبهات نیز مشترک بین این دو گروه و گروه‌های دیگر اسلام‌ستیز

است. معمولاً شبهات عاشورایی از این سنخ هستند که می‌توان از افسانه ارینب و تنزل حماسه بزرگ حسینی به یک درگیری عشقی یا یک دعوای خانوادگی با بزرگ‌نمایی نسبت‌های فامیلی بین طرفین درگیری در کربلا، زیر سؤال بردن تشنگی در واقعه عاشورا با شبهه‌هایی، همچون امکان حفر چاه و استفاده از شیر شتر و چگونگی غسل در شب عاشورا با توجه به کمی آب، عدم گرمی هوا در مهر ماه آنچنان که در مرثیه‌خوانی‌ها مطرح است و... نام برد.

شناسایی گونه‌های مختلف، ما را با فضای فکری شبهه‌ساز آشنا و در پاسخ کمک می‌کند؛ چرا که گاهی ساختار پاسخ در برابر هر کدام از این طیف‌ها متفاوت خواهد شد. بنابراین مبلغ برای پاسخ، به فضای فکری حاکم بر اندیشه‌القاءکننده شبهه نیاز دارد تا به کسی که در ورطه شبهه گرفتار شده کمک کند.

۷۰

شبهه‌ها
پژوهش

برای مثال اگر کسی پرسید «آیا صحیح است که ایرانیان به دست خلیفه دوم مسلمان شدند؟» گاهی این شبهه از طرف وهابیت مطرح می‌شود و هدف آن است که مردم ایران را مدیون خلیفه دوم بدانند، لذا در اینجا باید پاسخی با توجه به ریشه شبهه داد و گفت: این گفتمان برتر اسلام بود که توانست در عرض کمتر از بیست سال بر گفتمان‌های معاصر خود فائق آید. اگر حضرت علی^ع نیز به خلافت می‌رسید، ایران به اسلام می‌گروید و حتی برخی از نام‌لایمات حین فتح نیز اتفاق نمی‌افتاد. مگر بزرگترین کشور اسلامی؛ یعنی مالزی توسط خلیفه دوم فتح شد؟ پر واضح است که نه.

حال اگر همین سؤال توسط باستان‌گرایان افراطی مطرح شود، پاسخی متناسب با آن باید داد؛ زیرا آنها به دنبال زیر سؤال بردن اصل اسلام و خشن نشان دادن آن هستند. لذا باید با تعدیل گزارش‌های جعلی و تندی که در فضای مجازی مطرح است واقعیات را مطرح کرد و همانگونه که شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» قلم زده‌اند، به دفع شبهه پرداخت. شهید مطهری وقتی درباره جعلی بودن آتش‌سوزی کتابخانه

اسکندریه سخن می‌گفتند، مورد اعتراض بعضی از افراد قرار گرفتند. ایشان در این باره می‌فرمایند: چند سال پیش در مؤسسه اسلامی حسینیه ارشاد دو سخنرانی ایراد کردم که عنوانش «کتاب‌سوزی اسکندریه» بود و بی‌پایگی آن را روشن کردم. یادم هست که بعد از پایان آن سخنرانی‌ها از مؤمن مقدسی نامه‌ای دریافتیم به این مضمون که تو چه داعی داری که دروغ بودن این قصه را اثبات کنی؟! بگذار اگر دروغ هم هست مردم بگویند؛ زیرا دروغی است به مصلحت و تبلیغی است علیه عمر بن الخطاب و عمرو بن العاص.

این مؤمن مقدس گمان کرده بود که این همه بوق و کرنا که از اروپا تا هند را پر کرده، کتاب‌ها در اطرافش می‌نویسند و رمان‌ها برایش می‌سازند و برای آن که مسلم و قطعی تلقی شود در کتب منطق و فلسفه و سؤالات امتحانیه آن را می‌گنجانند، به‌خاطر احساسات ضد عمری یا ضد عمرو بن العاصی است و یا قربة الی الله و برای خدمت به عالم تشیع و بی‌آبرو کردن مخالفان امیرالمؤمنین علی⁸ است. این اشخاص نمی‌دانند که در جوی که این مسائل مطرح می‌شود، مسئله اسلام مطرح است و بس، و نمی‌دانند که در جهان امروز سلاح مؤثر علیه یک کیش و یک آیین بحث‌های کلامی و استدلال‌های منطقی ذهنی نیست؛ در جهان امروز طرح طرز برخورد پیروان یک کیش در جریان تاریخ با مظاهر فرهنگ و تمدن، مؤثرترین سلاح له یا علیه آن کیش و آن آیین است (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص ۳۱۲).

بنابراین متناسب با هدف شبهه‌کننده؛ پاسخگو باید بخشی از اطلاعات خود را مصرف نماید. این به‌معنای تغییر در پاسخگویی یا دروغ گفتن در پاسخ نیست، بلکه این هدف شبهه‌ساز است که مورد حمله باید قرار گیرد.

ج) ترفندها و شگردها

شبهه‌سازان از ترفندها و شگردهای مختلفی برای فریب افکار عمومی استفاده می‌کنند، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. استناد به گزارش‌های ضعیف

کتاب‌های تاریخی کهن بسان صندوقی هستند که سکه‌های واقعی و بدل را در خود

جای داده است. هیچ عاقلی به بهانه وجود سکه‌های بدل صدوق را به رودخانه نمی‌اندازد و نیز هیچ عاقلی حساب واقعی برای همه سکه‌ها باز نمی‌کند بلکه به سراغ طلاشناس رفته تا خوب و بد آنها را از هم جدا کند. کتاب‌های تاریخی کهن نیز در دل خود گزارش‌های صحیح و جعلی را جای داده‌اند. بنابراین تنها سواد خواندن و نوشتن در مطالعه این آثار کافی نبوده بلکه منابع مذکور تخصصی بوده و این کارشناس تاریخ است که با بکارگیری ابزار مختلف علمی توانایی تشخیص گزارش‌های گوناگون را دارد. گزارش‌هایی که عوامل متعددی از جمله سلايق و تعصبات قومی، قبیله‌گی و مذهبی و نیز تطمیع و تهدید حاکمان باعث جعلی برخی از آنها شده است. اگر این علل تعدد در جعل گزارش‌ها را نیز در نظر نگیریم، شیوه مورخان در کتاب‌های منبع، بیان گزارش‌های مختلف است. بدین معنا که نویسندگان به جمع‌آوری گزارش‌های متعدد در یک واقعه پرداخته و آن را از راویان زیادی نقل کرده که برخی از آنها ۱۸۰ درجه با هم تفاوت دارند. پر واضح است که جمع‌آوری‌کننده نمی‌تواند مهر تأیید بر همه آنها بزند؛ زیرا نمی‌توان هر دو گزارش مخالف هم را صحیح دانست. طبری در مقدمه تاریخش خود به این ضعف اعتراف کرده و می‌گوید:

«آنچه در این کتاب جمع‌آوری شده همگی صحیح نیست و آنها را از افراد مختلف شنیدم و جمع‌آوری کردم، شاید در آن چیزهایی باشد که باعث ناراحتی شود، اما این سخنان از من نیست و من فقط آنها را جمع‌آوری کرده‌ام» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸).

علامه عسکری کتابی تحت عنوان افسانه عبداللّه بن سبا نگاشته و ضمن رد گزارش‌های طبری از سیف بن عمرو، و تضعیف وی از طرف رجال یون شیعیه و اهل سنت، پرده از بی‌اعتبار بودن تاریخ طبری برداشته است. وی در همین راستا دو جلد کتاب دیگر به نام صد و پنجاه صحابه ساختگی به رشته تألیف درآورده و از صحابه‌ای سخن می‌کند که در طبری با آب و تاب از آنان گزارش شده ولی اصلاً وجود خارجی ندارند. آیت‌الله سبحانی ضمن

تضعیف پنج نفر از روایان طبری از منابع اهل سنت در مورد تاریخ طبری می‌فرمایند:

طبری در جلد ۳، ۴ و ۵ تاریخ خود، ۷۰۱ روایت پیرامون وقایع سال‌های ۱۱ تا ۳۷ هجری (دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان) از طریق پنج نفر (السری بن اسماعیل کوفی، السری بن عاصم، شعیب بن ابراهیم کوفی، سیف بن عمر، یزید الفقعسی) نقل کرده و در نتیجه حقایق تاریخی این دوره را وارونه جلوه داده است (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۷).

بنابراین یکی از وظایف کارشناس تاریخ، این است که صحت و سقم این گزارش‌ها را بررسی کند و در یک فضای علمی، گزارش صحیح از غلط و مجعول را متمایز سازد.

برخی ابزار برای بهره‌گیری صحیح از گزارش‌های تاریخی عبارتند از: شناخت صحیح

۷۳

ادبیات عرب، دانستن علم رجال و شناختن روایان اسناد، تسلط بر منابع مختلف و تطبیق



آنان از نظر زمانی، مکانی و جهات دیگر، آشنایی با نویسندگان کتاب از حیث مذهب،

تفکر و گرایش‌های مختلف. بدون برخورداری از این ابزارها نمی‌توان به سراغ منابع

اولیه چون تاریخ طبری رفت، چراکه با دانستن علم رجال است که گزارش‌های طبری

از سیف بن عمر - که به گفته شیعه و سنی ضعیف است - کنار گذاشته می‌شود؛ با شناخت

صحیح ادبیات عرب است که فرق استفاده فعل مجهول از معلوم مشخص می‌شود و

اشعار به ضعف در فعل مجهول از نظر نویسندگان معلوم خواهد شد.

اما کسانی که به قصد شبهه‌افکنی به سراغ کتاب‌های منبع می‌روند کاری با صحت

و سقم گزارش ندارند بلکه آن گزارش‌ها را انتخاب می‌کنند که با هدف شبهه‌افکنی آنان

هم داستان باشد. گاهی یک جریان در یک کتاب به چند صورت روایت شده و کاملاً با

هم متضاد هستند، ولی در شبهه می‌بینیم فقط روایتی که ادعای شبهه‌کننده را اثبات

می‌کند، مطرح می‌شود. افسانه کشتار بنی قریظه (محسنی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰)، بستن آب

در جنگ بدر (محسنی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴)، افسانه ارینب و... از این نوع است.

۲. برخورد غیر علمی با گزارش‌های متناقض

شیوه علمی در انتخاب گزارش صحیح از بین گزارش‌های متعارض، ترجیح دادن خبر متواتر یا خبری که ناقل بیشتری دارد بر غیر آن است، مگر اینکه مؤیدی بر اثبات خبری داشته باشیم که افراد کمتری آن را نقل کرده‌اند. برای مثال بحث عطش در حادثه کربلا از جمله اخباری است که طرفین قضیه به صورت گسترده نقل کرده‌اند. نه تنها اصحاب ۸۴ حسین(ع) بارها با شیوه‌های مختلف بیان کرده‌اند بلکه در نامه‌های رد و بدل شده بین ابن‌زیاد با عمر بن سعد و حر نیز به‌خوبی نمایان است. شبهه‌کنندگان با نادیده گرفتن این همه گزارش، به جریان خبر غسل شب عاشورا که تنها چند نفر گزارش کرده‌اند، استناد کرده‌اند و تشنگی را زیر سؤال برده‌اند و حال آنکه اگر این دو سنخ از گزارش قابل جمع نیست، باید با تشنگی، غسل را زیر سؤال برد، نه اینکه با غسل، تشنگی را دروغ پنداشت. معاندان از این روش به‌صورت گسترده در شبهه‌سازی استفاده می‌کنند، چراکه تشخیص این دو سنخ از گزارش‌ها برای عموم مردم مشکل است.

۲-۱. دروغ‌پراکنی عوام‌فریبی

گاهی مطلبی که در شبهه‌ها القاء می‌شود، نه تنها در منابع متقدم نیست، بلکه در منابع متأخر نیز وجود ندارد. این ترفند از سوی همه جریان‌های شبهه‌ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در شبهه‌ای که چندی پیش در فضای مجازی منتشر شد، کمیل بن زیاد نخعی که در آن متن به‌عنوان استاندار فارس از طرف حضرت علی(ع) معرفی می‌شد به قتل عام مردم این خطه اقدام کرده بود، چون قصد تخریب قبر کورش را داشت اما مردم مخالفت کردند. و حال آنکه کمیل استاندار حضرت علی(ع) در این ناحیه بوده و نه بقعه موجود در پاسارگاد در آن زمان منتسب به کورش! و نه این گزارش کوچک‌ترین نشانه‌ای در منابع متقدم و متأخر دارد بلکه ساخته ذهن بیمار شبهه‌کننده برای اغوای مخاطبان خود است. از این نمونه بسیار است. نامه یزدگرد به خلیفه دوم و پاسخ وی (محسنی، ۱۳۹۷،

ص ۱۸۳)، به تصویر کشیدن موقعیت جغرافیایی کوفه که در بین مکه و کربلاست جهت آنکه وانمود کنند، کل دعوت کوفیان دروغ است و اگر امام حسین 8 می خواست به کوفه برود از آن شهر رد نمی شد و به کربلا نمی رفت. شبهه کنندگان خوب می دانند که حُر اجازه ورود امام به کوفه و بازگشت به مدینه را نداد و نهایت کار به کربلا ختم شد و با این دروغ قصد دارد کل حادثه کربلا را یک قصه دروغین بنامد. گاهی نیز اسنادی به دروغ، ذیل شبهه خود درج می کنند، چرا که عموماً مردم به سراغ راستی آزمایی، پی نوشت بر نمی آیند.

این روش شیطنت آمیز هر از گاهی در فضای مجازی دیده می شود و صدر و ذیلش آکنده از دروغ است.



۲-۲. شبهات حاشیه ای یک جریان تاریخی جهت تضعیف آن جریان

شبهاتی همچون شیعیان می گویند در گرمای سوزان پیامبر ۹ به آنها که رفته بودند، فرمود: برگردید و به آنها که نرسیده بودند، فرمودید زودتر خود را برسانید. کدام گرمای ۱۸ ذی الحجه سال دهم هجری اواخر اسفند یا اوایل فروردین است و در این تاریخ گرمای سوزانی وجود ندارد یا شیعیان می گویند سلحشوران کربلا در گرمای سوزان روز عاشورا در حال تشنگی به مبارزه می پرداختند. کدام گرمای سوزان؟ عاشورای سال شصتم هجری حدوداً در بیستم مهرماه بوده و این تاریخ گرمای سوزانی وجود ندارد و از این نمونه ها بسیار است.

شبهه کننده ضمن گرفتن چند تأیید از مخاطب، او را با خود همراه کرده و القاء می کند که پس همه جریان دروغی تاریخی بیش نیست. و حال اولاً: چیزی را رد می کند که شیعه ادعا نکرده است، در کدام روایت از گرمای سوزان غدیر و عاشورا صحبت شده؟ بلکه گفته اند هوا گرم بوده، و ضمن اینکه باید شرایط اقلیمی حجاز و عراق در نظر گرفته شود، فعالیت های سفر و جست و خیزهای جنگ نیز بر گرما می افزاید. بر

فرض که اصلاً هوا خنک یا سرد! کل ماجرا زیر سؤال می‌رود؟ اگر کسی ادعا کرد رزمندگان در گرمای ۶۰ درجه خوزستان با نیروهای بعثی می‌جنگیدند و کسی آمد گرمای ۶۰ درجه را غیر واقعی دانست، آیا می‌توان نتیجه گرفت پس جنگی بین ایران و عراق اتفاق نیفتاده است؟! از این قبیل است ۱۲۰ هزار نفر در غدیر حضور نداشته، پس واقعه غدیر دروغ است؟ در صدر اسلام میخ در و مسمار نبوده، پس هجوم به خانه وی افسانه است و... که بر فرض صحت ادعا و جعلی بودن بخشی از یک جریان نمی‌توان جعلی بودن را به همه آن جریان تعمیم داد.

۳-۲. القای تعداد زیادی شبیه در یک متن

فراوان دیده می‌شود که یک متنی آکنده است از شبیهات زیاد. گاهی پنجاه شبیه و گاهی بیشتر. چنین متنی‌هایی هر جمله و سطرش یک شبیه انتقال می‌دهد. پاسخگو و مبلغ با این متن چه کند؟ همه آنها را یکی یکی پاسخ دهد. هر شبیه‌ای حداقل یک صفحه پاسخ نیاز دارد و پاسخ به همه شبیه‌های متن این‌چنینی، یک کتاب یا جزوه در خور توجه است. چگونه پاسخگو می‌تواند چنین پاسخی تنظیم کند؟ بر فرض تنظیم چنین پاسخنامه‌ای، مطالعه آن در فضای مجازی از حوصله خواننده بیرون است و بر فرض که خوانندگان اشتیاق به چنین پاسخی از خود نشان دهند، در پیام‌رسان‌ها مجال چنین پاسخ‌هایی نیست. در چنین شرایطی به جای پاسخ به همه متن مورد نظر، باید خواننده را از اهداف شبیه‌کننده آگاه کرد و نیز بیان نمود که اگر شبیه‌کننده قصد رسیدن به واقعیت را داشت، این شبیهات را یکی یکی مطرح می‌کرد، نه اینکه در یک متن پنجاه شبیه! پس از تبیین این موضوع به یکی از شبیهات پاسخ جامع و متقن داده و در پایان اشاره شود بقیه شبیهات این متن نیز از این سنخ است.

۴-۲. قداست شکنی

این شیوه ناجوانمردانه‌ترین نوع شبهه‌سازی است. شبهه‌کننده در این شیوه ابداً به دنبال

پاسخ نیست بلکه در پی حرمت شکنی و قداست زدایی است. بر فرض، کسی مبادرت به پاسخگویی کند، باز شبهه گر به نیمی از اهداف خود رسیده است. در این گونه شبهات جزئیات و ریز برخی شخصیت‌ها پرداخته می‌شود که عادی‌سازی برخی امور غیر قابل بیان را به دنبال دارد. به‌طور مثال ریز شدن در جزئیات نحوه شهادت شهدای کربلا و ایجاد تردید در آن، اثرات مخربی بر ذهن خواننده می‌گذارد که از آن به بعد هنگام استماع همان روضه به‌جای رقت قلب، ذهنش به دنبال یافتن پاسخی برای رفع تردیدی است که ذهن او را مشغول کرده است. از قدیم رسم بر این بود که روضه مکشوفه مگر در شرایط خاص خوانده نمی‌شد؛ چرا که می‌گفتند باعث ایجاد قساوت قلب می‌شود. حال بیفزاید بر تأثیر مکشوف نحوه شهادت امام و اصحاب، توهین‌ها، تمسخرها و ایجاد تردیدهای شبهه‌کننده‌ای که در صدد قداست زدایی است.

۷۷



این گونه شبهات معمولاً روضه‌های سوزناک آن‌هم قسمتی را که بیش از همه باعث جاری شدن اشک می‌شود را هدف قرار می‌دهد و اگر گفته شود حساس‌ترین جای عزاداری را بمباران می‌کند، سخن‌گزافی نیست. حجاب اُسرا، تیر خوردن حضرت علی (ع) با جزئیات و تردید در آن، نحوه شهادت حضرت عباس (ع) و مشک به دندان گرفتن از نمونه این گونه شبهه‌هاست که این سال‌ها در فضای مجازی باز نشر داده شد.

نتیجه

از مطالب فوق بر این برآیند رسیدیم که مُبلغ دینی، علاوه بر تعلیم آموزه‌های شریعت به مخاطبان، باید پاسخگویی طوفان شدید شبهه‌های باشد که از سوی گروه‌های مختلف معاند اسلام و شیعه، جامعه شیعی را درنوردیده است و نیز بیان شد و با تجربه به دست آمده که به فراخور حال علم تاریخ، امروزه بسیاری از شبهات در این حوزه مطرح می‌شود. به‌طور قطع بسیاری از شبهات تاریخی تخصصی است و پاسخ به آن کارشناس تاریخ را می‌طلبد اما مُبلغ پیش از ارجاع پرسش‌گر به کارشناس مربوطه، با آشنایی با گروه‌های شبه‌ساز می‌تواند نسبت به فضای فکری وی، پاسخ تهیه نماید؛ چراکه شناختن هدف القاء‌کننده شبهه در نوع ورود و خروج به پاسخ سهم بسزایی دارد. برای مثال آشنایی به وهابیت و باستان‌گرایان افراطی که بیشترین سهم را در شبهه‌سازی امروزی دارند و نیز شناسایی نوع شبهه‌های آنها پاسخگو را در تنظیم و تدوین پاسخ کمک می‌نماید؛ زیرا هدف گروه‌ها و فضای حاکم بر فکر آنها متفاوت است و هر کدام پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد. از یافته‌های دیگر این تحقیق که به‌صورت تجربی توسط نگارنده حاصل شد، معرفی برخی از ترفندهای شبهه‌سازان است که همه بر پایه فریب و نیرنگ است. آشنایی با این ترفندها باعث می‌شود تا ضمن پاسخگویی منطقی و مستدل از افتادن در دامی که شبهه‌کننده پهن نموده، برحذر باشیم و خود بخشی از پیاده نظام دشمن در تکثیر شبهه نشویم. برخی از ترفندها خود می‌تواند بخشی از شبهات را پاسخ دهد. البته از آنجا برخی شبهات چه در حوزه تاریخ و چه در حوزه‌های دیگر تخصصی بوده و کارشناس متبحر خود را می‌طلبد، بهتر است مبلغان گرامی ضمن بیان پاسخ‌های خود، پرسشگران را برای دریافت پاسخ‌های مفصل و جامع‌تر به مراکز پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزی یا پایگاه‌های مجازی معتبر و یا به کارشناسان و متخصصانی که می‌شناسند، ارجاع دهند تا پرسشگران با مراکز علمی پاسخگویی و متخصصین آشنایی یابند چه آنکه شاید خودشان بخواهند در جمع حقیقی یا گروهی مجازی به معاندان یا فریب‌خوردگان پاسخ دهند.

منابع و مأخذ

- * نهج البلاغه (للصباحی صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱. سبحانی، جعفر، آیین و هابیت، چاپ دهم، قم: مشعر، ۱۳۸۸.
 ۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، چاپ سوم، قم: امام علی بن ابی طالب ۸، ۱۳۹۰.
 ۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
 ۴. صفاتاج، مجید، پاسخ به شبهات تاریخی؛ پروتکل های صهونیسم چیست؟، مجله پاسدار اسلام، شماره ۴۰۳، ۱۳۹۴.
 ۵. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، محقق: خرسان محمد باقر، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
 ۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷.
 ۷. غیب غلامی، حسین، هلال نجد، قم: مطبع، ۱۳۹۵.
 ۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
 ۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر، چاپ چهارم، تهران: الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۰. محسنی، مصطفی، اسلام دین جنگ یا صلح، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷.
 ۱۱. محسنی، مصطفی، ورود اسلام به ایران و شبهات پیش رو، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۹.
 ۱۲. محمدی، رضا، شیوه شناسی پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی، مجله پیام، شماره ۱۰۹، ۱۳۹۱.
 ۱۳. محمدی، محمد علی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، مجله مبلغان، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۸.
 ۱۴. مطهری، مرتضی، عدل الهی، چاپ پنجم، قم: صدرا، ۱۳۷۰.
 ۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۷۵.